

روش نقد

نقد هدف‌ها و مکتب‌ها

علی صفایی حائری (عین. صاد)

www.ketab.ir

www.ketab.ir

مجله علمی - ۱۳۳۰ - ۱۳۷۸
سوره
م. انتشارات
۱۴۰
نقد هدفها و مکتبها
نقد ادبی
۲۶۸۱ / ص ۸۰ / ۹۵
۱۳۷۲
۳۰۸ - ۳ - ۷۸ - ۶۶۴ - ۹۷۸

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
وضعیت فهرست‌نویسی
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
شابک

روش نقد/نقد هدفها و مکتبها

علی صفایی حائری (عین-صاد)

- چاپ نهم: ۱۴۰۲
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- شمارگان: ۱۰۰۰
- تلفن مرکز فروش: ۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸ / ۰۲۲-۹۱۲۷۴۶۱
- همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است



انتشارات لیلة القدر
۰۲۵-۳۷۷۱۲۳۲۸



انتشارات ذکرا
۰۲۱-۸۶۰۴۵۸۰

فهرست

۷ نگاه کلی

فصل اول: نقد

۱۵ ۱- مفهوم نقد

۱۹ ۲- ضرورت نقد

۲۳ ۲- معیار نقد

۲۵ ۲- روش نقد

۳۳ ۲- قلمرو نقد

فصل دوم: نقد هدف‌ها

۳۹ نیازها

۳۹ آفریدگار نیازها

۴۱ تنوع نیازها

۴۱ دگرگونی هدف‌ها

۴۲ ضرورت انتخاب

۴۴ روش نقد هدف‌ها

فصل سوم: نقد مکتب‌ها

۵۹ نقد مکتب‌ها

۶۱ ۱- نیازها

۶۵ ۲- طرح کلی

۸۹ ۳- نقش تاریخی و اثر عملی

۱۰۹ ۴- تجربه اثر عملی

نگاهی کلی

هیچ شده که در جمع‌ها و نشست‌ها، شاهد درگیری‌های چند ساعته و کینه‌های گره خورده، باشی. آن‌ها می‌گویند که چندین سال باز نمی‌شوند. من زیاد شاهد بوده‌ام و می‌دیدم که خیلی ساده، یک ارزش، یک عقیده، یک آدم، یک مکتب، زیر تیغ انتقاد می‌رود. نقد تا آن حد مبتذل می‌شد که شکل صورت و دماغ قلمی یا احوال‌پرسی او می‌توانست میاندار نقد باشد.

باز زیاد به از خود راضی‌ها و خود خورها می‌رسیدم یا لاقبل این دو حالت خود رضایی و خود خوری را در خود احساس می‌کردم.

آن شهادت‌ها و این احساس‌ها، مرا وادار کرد تا به سوی معیار و اندازه‌هایی برای نقد رو بیاورم و همچون کسانی که اشتباه حواس را باور کرده‌اند در جست و جوی ابزار علمی و غیر متأثر و ثابتی، آستین بالا بزنم.

من برای نقد خودم و جلوگیری از غرورها و خود رضایی‌ها، راه‌های

زیادی داشتیم؛ چون بازدهی را با دارایی‌ها مقایسه می‌کردم؛ چون خودم را با نامردهایی مقایسه می‌کردم که برای هیچ از خود می‌گذرند؛ چون خودم را با خودم مقایسه می‌کردم که در راه گنگ گرفته‌ی خانام و بیماری فرزندم، از هیچ مایه می‌گرفتم و...

در کنار این همه راه برای شناسایی و ارزیابی و نقد خودم، یک راه ساده داشتم. هر چه مرا خوشحال می‌کرد و یا رنج می‌داد، من همان بودم، همانقدر بودم.

به خودم می‌گفتم، تو فریب کارهای بزرگ و کوچک و حرف‌های ریز و درشت را بخور. تو درست همانی هستی که تو را خوشحال و یا رنجیده می‌سازد.

برای نقد و ارزیابی دیگران، چه دوست و چه دشمن، چه همراه و چه سنگ راه، آنها را و کردارهایشان را، با هدف‌هایی می‌سنجیدم و هدف‌ها را با روشی که در این نوشته آمده می‌توانستم نقد بزنم و ارزیابی کنم.

برای نقد مکتب‌هایی که مثل قارچ سبز می‌شدند، به آنچه که می‌دهند و به نیازهایی که تأمین می‌کردند، نظر داشتم ...

این شکل ابتدایی کار بود. آن هنگام که شروع کردم، نقد در وسعت چشم‌گیری نمودار شد تا آنجا که نقد نقد و نقد ارزش‌های ثابت برای نقادی، در قلمرو نقد درآمدند.

در این نوشته‌ها پس از بررسی مفهوم و ضرورت نقد به معیار و روش نقد، نظر شده. آنگاه هدف‌ها و سپس مکتب‌ها و سپس آدم‌ها و عمل‌ها، از

راه‌های گوناگونی، انتقاد شده‌اند. درباره‌ی نقد شناخت و نقد هنر هم، جدا، کارهایی ادامه می‌یابد.

آنچه در این نوشته‌ها مطلوب است، نزدیک کردن راه‌های دوری است که عمرها را می‌بلعند و جدا شدن از گذشت‌ها و نرمش‌ها و از سخت‌گیری‌ها و خشکی‌هایی است که در حق خویشان و دیگران داریم؛ سخت‌گیری‌ها و نرمش‌هایی که باروری و شکوفایی ما را تهدید کرده‌اند و باعث شکست‌های بی‌حساب و یا رویش‌های بی‌تناسب گردیده‌اند.